

تخفیف و تبدیل مجازات در دادگاه‌های نظامی

حمیددلیر _ دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه شهید بهشتی و رئیس شعبه پنجم دادگاه نظامی تهران

قسمت پایانی

بخش دوم - تبدیل مجازات

گفتار اول - تبدیل مجازات حبس

در خصوص تبدیل مجازات حبس نیز همانند تخفیف مجازات، ابتدا تبدیل مجازات حبس در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح پس تبدیل مجازات حبس در سایر قوانین را مورد بررسی قرار می دهیم.

مبحث اول: تبدیل مجازات حبس در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

در مواد (۳) و (۴) و (۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ضوابطی در خصوص تبدیل مجازات حبس پیش‌بینی شده است. این ضوابط ناظر بر میزان مجازات قانونی جرم و نوع عضویت متهم است که به اختصار به بررسی آن می‌پردازیم.

تبدیل حبس‌های تا دو سال

مطابق ماده (۳) قانون فوق‌الذکر در کلیه مواردی که حداکثر مجازات قانونی تا دو سال حبس باشد، دادگاه می‌تواند مجازات حبس را به شرح ذیل تبدیل نماید:

الف: در مورد کارکنان پایور

- ۱- کسر حقوق و مزایا به میزان یک چهارم از شش ماه تا یک سال
- ۲- جزای نقدی از دو میلیون (۲/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- ۳- محرومیت از ترفیع از سه ماه تا یک سال
- ۴- انفضال موقت از سه ماه تا شش ماه
- ۵- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین از شش ماه تا یک سال

ب: در مورد کارکنان وظیفه

- ۱- اضافه خدمت از دو ماه تا چهار ماه
- ۲- جزای نقدی از یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- ۳- منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین حداقل به مدت شش ماه و حداکثر تا پایان خدمت وظیفه، در صورتی که باقیمانده خدمت دوره ضرورت کمتر از شش ماه باشد، دادگاه می‌تواند مدت باقیمانده را مورد حکم قرار دهد. در خصوص این ماده ذکر چند نکته ضروری است:

۱- مطابق تبصره " ۱ " ماده (۳) قانون مذکور، در صورت محکومیت به منع اشتغال به خدمت در یک نقطه یا نقاط معین، تعیین محل خدمت جدید به عهده یگان یا سازمان مربوط است. علت وضع این حکم توجه به مشکلات مربوط به استقرار یگان‌های نظامی در مناطق خاص است و به همین دلیل نیز قانون‌گذار صرفاً منع اشتغال به خدمت در نقطه یا نقاط معین را پذیرفته و اقامت اجباری^(۱) در نقطه یا نقاط معین را از فهرست مجازات‌های اصلی و تبدیلی و تتمیمی حذف کرده است.

۲- مطابق تبصره " ۲ " ماده (۳) قانون مذکور، در کلیه جرایمی که مجازات قانونی حبس تا سه ماه باشد، قاضی مکلف به تبدیل مجازات حبس به جزای نقدی است که در این خصوص همچنان که قبلاً گفتیم میزان جزای نقدی به شرح مقرر در بند

۱ ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین (از ۷۰ هزار و یک ریال تا یک میلیون ریال) تعیین می‌شود.

۲- تبدیل حبس‌های بیش از دو سال تا پنج سال

مطابق ماده (۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در کلیه مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون بیش از دو سال تا پنج سال است، دادگاه می‌تواند مجازات حبس را به شرح ذیل تبدیل نماید:

الف: در مورد کارکنان پایور

۱- جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۲- محرومیت از ترفیع از شش ماه تا دو سال

۳- تنزیل یک درجه و یا رتبه

۴- انفصال موقت از شش ماه تا یک سال

ب: در مورد کارکنان وظیفه

۱- جزای نقدی از پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۲- اضافه خدمت از سه ماه تا شش ماه

۳- تبدیل حبس‌های بیش از پنج سال

مطابق ماده (۵) قانون فوق‌الذکر در تمام مواردی که حداکثر مجازات حبس در این قانون «بیش از پنج سال» است، دادگاه می‌تواند مجازات حبس را به شرح ذیل تبدیل نماید:

الف: در مورد کارکنان پایور

۱- جزای نقدی از سی میلیون (۳۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۲- محرومیت از ترفیع از دو سال تا چهار سال

۳- تنزیل یک تا دو درجه تا چهار سال

۴- انفصال موقت به مدت یک سال

ب- در مورد کارکنان وظیفه

۱- جزای نقدی از ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال

۲- اضافه خدمت از شش ماه تا یک سال

در خصوص مقررات مربوط به تبدیل مجازات حبس توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- هر چند قانون‌گذار در ذیل مواد (۳) و (۴) و (۵) مقرر داشته که دادگاه «متناسب» با مجازات اصلی می‌تواند مجازات حبس را تبدیل نماید؛ اما در برخی موارد خود قانون‌گذار هیچ توجهی به این موضوع نداشته و به تعبیر دیگر محدودیت‌هایی که در مورد تبدیل مجازات حبس مقرر شده، از قاعده و نظم خاصی تبعیت نمی‌کنند که به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

الف: با توجه به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، حداکثر حبس موضوع مواد (۳) و (۴) قانون مذکور به ترتیب دو و پنج سال و حداکثر حبس موضوع ماده (۵) این قانون ۱۰ تا ۱۵ سال است و محدودیت تبدیل نیز باید متناسب با این حداکثر مجازات تعیین می‌شد مثلاً اگر حداکثر مجازات جرمی دو سال حبس است و می‌توان حبس مذکور را در مورد کارکنان وظیفه و پایور به ترتیب به یک و دو میلیون ریال جزای نقدی تبدیل کرد، در موردی که حداکثر مجازات جرمی پنج سال حبس است چون حداکثر پنج سال نسبت به دو سال، ۲/۵ برابر شده، محدودیت تخفیف نیز باید به همین میزان وضع

می شد مثلاً در مورد کارکنان وظیفه باید به ترتیب به ۲/۵ و پنج میلیون ریال افزایش می یافت، در حالی که این محدودیت در ماده (۴) نسبت به ماده (۳) قانون فوق الذکر ۵ برابر شده است. این اشکال وقتی بیشتر مشخص می شود که مثلاً مواد (۸۳) و (۸۴) این قانون را با هم مقایسه کنیم. در ماده (۸۴) مجازات حبس از شش ماه تا دو سال پیش بینی شده و در ماده (۸۳) مجازات شش ماه تا سه سال مقرر شده است که با وجود این که حداکثر مجازات مقرر در این دو ماده تفاوت اندکی دارند؛ اما در مورد تبدیل حبس به جزای نقدی، ماده (۸۳) نسبت به ماده (۸۴) با توجه به مواد (۳) و (۴) این قانون با پنج برابر محدودیت مواجه است.

ب: هر چند میزان جزای نقدی مقرر در ماده (۴) در خصوص کارکنان وظیفه و پایور نسبت به ماده (۳) تقریباً به میزان متناسبی افزایش یافته؛ اما این تناسب در ماده (۵) رعایت نشده است یعنی حداقل جزای نقدی مقرر در ماده (۵) نسبت به ماده (۴) در مورد کارکنان وظیفه دو برابر شده، در حالی که در مورد کارکنان پایور سه برابر شده است.

بی توجهی قانون گذار در تعیین دقیق حداقل مجازات های تبدیلی موجب شده که در بسیاری از موارد، دادگاه ها در خصوص تعیین مجازات متناسب و رعایت اصل «فردی کردن مجازات ها» با اشکال مواجه شوند مثلاً در صورتی که به علت سهل انگاری سربازی، خسارت جزئی به سلاح یا مهمات وارد شود (بزه موضوع ماده (۸۳) دادگاه باید حکم به حداقل دو ماه حبس یا سه ماه اضافه خدمت یا پنج میلیون ریال جزای نقدی صادر کند که این مجازات ها در بسیاری از موارد ناعادلانه است. به منظور رفع این مشکل، در مواردی که تعلیق اجرای مجازات منع قانونی ندارد، دادگاه می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را معلق نماید.

۲- در خصوص تبدیل حبس به برخی از مجازات ها توجه به نوع عضویت متهم و وضعیت خدمتی وی ضروری است مثلاً با توجه به این که کارکنان پیمانی و خرید خدمت فاقد ترفیع هستند، نمی توان در مورد آنان مجازات حبس را به محرومیت از ترفیع تبدیل کرد. این وضعیت در مورد نظامیانی که آخرین ترفیع خود را دریافت کرده و مثلاً در ۳۰ سال خدمت هستند نیز صادق است.

۳- مقررات مندرج در مواد (۳) و (۴) و (۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح اختصاص به متهمین نظامی دارد و در مواردی که دادگاه های نظامی به اتهام اشخاص غیر نظامی نیز رسیدگی کننده، مانند شرکت و معاونت در جرم، موضوع تخفیف و تبدیل مجازات از شمول مقررات فوق خارج است و در این موارد دادگاه های نظامی تابع مقررات عمومی هستند، البته ممکن است گفته شود که نوع عضویت نظامیان صرفاً در خصوص تبدیل مجازات مؤثر است و تخفیف مجازات که در صدر مواد فوق ذکر شده ارتباطی به نوع عضویت نظامیان و حتی نظامی بودن متهم ندارد و در نتیجه تخفیف مجازات غیر نظامیان مشمول این قانون و تبدیل مجازات آنان مشمول مقررات عمومی است. نظر دیگر این است که تخفیف و تبدیل مجازات غیر نظامیان مشمول مقررات فوق است، هر چند تعدادی از مجازات های تبدیل در مورد غیر نظامیان قابل اجرا نیست.^(۳) به نظر هیچ یک از این دو نظریه را نمی توان پذیرفت، زیرا اولاً در مورد تبدیل مجازات، تفکیک موضوع با توجه به نوع عضویت متهم دلالت آشکار بر این امر دارد که صرفاً متهمین نظامی را شامل می شود و ثانیاً قانون گذار نظر به مورد غالب داشته و موارد استثنایی رسیدگی به جرایم غیر نظامیان مورد نظر مقنن نبوده است و ثالثاً تخفیف و تبدیل مجازات دو مقوله کاملاً مرتبط هستند و این که تخفیف مجازات غیر نظامیان را مشمول این قانون و تبدیل مجازات آنها را مشمول مقررات عمومی بدانیم نیز منطقی به نظر نمی رسد و نتیجه مورد نظر مقنن که همانا ایجاد وحدت رویه در دادگاه های نظامی و یکسان کردن آرا بوده نیز محقق نمی شود.

مبحث دوم: تبدیل مجازات حبس در سایر قوانین

مطابق تبصره ماده (۲) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در مورد جرایمی که در این قانون ذکر نشده، در صورتی که رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه نظامی باشد، تعیین مجازات و تخفیف و تبدیل آن مطابق مقررات عمومی است. بنابراین در این موارد تبدیل مجازات حبس مطابق مقررات عمومی صورتی می‌گیرد که علی‌الاصول با ممنوعیت یا محدودیتی مواجه نیست. در خصوص این موضوع توجه به چند نکته ضروری است:

۱- در صورتی که موضوع مشمول بند ۲ ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین باشد (مانند جرایم موضوع مواد (۵۷۰) و (۵۸۰) قانون مجازات اسلامی)، دادگاه‌های نظامی می‌توانند مطابق ماده مذکور یا حکم به بیش از سه ماه حبس و یا جزای نقدی از هفتصد هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال صادر کنند و در چنین مواردی تبدیل مجازات مذکور به مجازات دیگری مانند شلاق یا اضافه خدمت با توجه به این که نسبت به هفتصد هزار و یک ریال جزای نقدی اشد محسوب می‌شوند، مجاز نمی‌باشد.

۲- در صورتی که تخفیف مجازات حبس در برخی موارد با ممنوعیت یا محدودیت مواجه باشد مانند تبصره " ۱ " ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری و ماده (۳۸) قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، در این موارد تبدیل مجازات حبس به مجازات دیگر نیز ممنوع خواهد بود.

گفتار دوم: تبدیل سایر مجازات‌ها

در مورد تبدیل سایر مجازات‌ها (غیر از حبس) نیز به شیوه سابق، تبدیل سایر مجازات‌ها در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح و سایر قوانین را در دو مبحث مورد بحث قرار می‌دهیم.

مبحث اول: تبدیل سایر مجازات‌ها در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح

ماده (۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مقرراتی در مورد تخفیف و تبدیل سایر مجازات‌ها که در قانون مذکور به عنوان مجازات اصلی پیش‌بینی شده، وضع کرده که در خصوص تخفیف مجازات در بخش اول مورد بررسی قرار گرفت و در این قسمت تبدیل مجازات‌های مذکور را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

الف: تبدیل اخراج یا انفصال دائم از فوت

مطابق بند الف ماده (۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مجازات اخراج از خدمت یا انفصال دائم از خدمت و یا خدمات دولتی به تنزیل دو درجه و یا رتبه قابل تبدیل است، در خصوص این موضوع، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- در قانون مذکور، مجازات انفصال دائم از خدمات دولتی پیش‌بینی نشده است، بنابراین با توجه به حکم مقرر در تبصره ماده (۲) قانون مرقوم ذکر تبدیل انفصال دائم به تنزیل دو درجه یا رتبه زائد است.

۲- مجازات اخراج از خدمت در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح در خصوص لغو دستور مربوط به منع ازدواج با اتباع بیگانه (تبصره ماده ۳۸) و ارتشاء و اختلاس بیش از ۱۰ میلیون ریال (بند ج مواد ۱۱۸ و ۱۱۹) پیش‌بینی شده است، با این تفاوت که در تبصره ماده (۳۸) علاوه بر مجازات اخراج حبس از سه ماه تا یک سال و در بند (ج) مواد (۱۱۸) و (۱۱۰) حبس از سه تا پانصد سال پیش‌بینی شده است که بیانگر این موضوع است که فلسفه وضع مجازات اخراج در تبصره ماده (۳۸) با مواد دیگر کاملاً متفاوت است. به نظر ما با توجه به این که مبنای وضع مجازات اخراج در تبصره ماده (۳۸) با موارد دیگر کاملاً متفاوت است. به نظر ما با توجه به این که مبنای وضع مجازات اخراج در تبصره ماده (۳۸) مصالح امنیتی نیروهای مسلح بوده است، بهتر بود قانون‌گذار مجازات مذکور را غیر قابل تبدیل اعلام می‌کرد.

۳- در صورتی که با توجه به نوع درجه متهم امکان تنزیل دو درجه یا رتبه وجود نداشته باشد، مثل این که شخصی که دارای درجه گروه‌بان دومی است، مرتکب ارتشاء و اختلاس بیش از ۱۰ میلیون ریال شود، با توجه به مطالبی که قبلاً بیان کردیم،

چون دلیلی وجود ندارد که قانون گذار نظر به ممنوعیت تبدیل مجازات اخراج در مورد این قبیل افراد داشته است و با توجه به این که تنزیل دو درجه یا رتبه نیز قابل اعمال نیست، به نظر ما موضوع تبدیل مجازات اخراج در این موارد از شمول قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح خارج است و به استناد ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی می‌توان این مجازات را به مجازات دیگری تبدیل کرد.

ب: تبدیل تنزیل یک درجه یا یک رتبه

مطابق بند ج ماده (۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مجازات تنزیل یک درجه یا رتبه به شش ماه تا دو سال محرومیت از ترفیع قابل تبدیل است. در خصوص این موضوع توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- در مواردی که مجازات محرومیت از ترفیع قابل اعمال نیست، مانند افسران و درجه داران وظیفه و کارکنان پیمانی و خرید خدمت و کسانی که آخرین ترفیع خود را دریافت کرده‌اند، با توجه به مطالبی که قبلاً بیان شد، به دلیل جامع نبودن قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، موضوع از شمول قانون مذکور خارج است و دادگاه‌های نظامی می‌توانند به استناد مقررات عمومی مجازات، تنزیل یک درجه یا رتبه را به مجازات دیگری تبدیل کنند. شعبه هفتم دادگاه نظامی یک استان تهران با پیروی از این دیدگاه به موجب رأی شماره ۳۳۷ مورخ ۸۴/۵/۱۶ ستوان دوم وظیفه ای را که به اتهام اخذ بیست هزار ریال رشوه تحت تعقیب قرار گرفته بوده به سه ماه اضافه خدمت بدل از حبس و پرداخت جزای نقدی معادل وجه مأخوذ و پرداخت مبلغ یک میلیون ریال جزای نقدی بدل از تنزیل یک درجه محکوم کرده است.

۲- در مورد نظامیان دارای درجه سرتیپ دومی با توجه به این که نیل به درجه سرتیپی و بالاتر به صلاحدید مقام معظم رهبری و فرماندهی کل قوا می‌باشد، در مورد امکان صدور حکم به محرومیت از ترفیع اختلاف نظر وجود دارد. به نظر ما منعی در مورد تعیین این مجازات وجود ندارد، زیرا اولاً کسب شرایط نیل به درجه بالاتر و تشریفات آن ارتباطی به این موضوع ندارد و ثانیاً با توجه به ماده (۷۸) قانون آجا و ماده (۷۸) قانون مقررات استخدامی سپاه و ماده (۸۷) قانون استخدام ناجا ترفیع کارکنان از درجه ستوان یکمی و یا سرگردی (حسب مورد) منوط به تصویب فرماندهی معظم کل قوا می‌باشد که در این موارد تردیدی در امکان صدور حکم به محرومیت از ترفیع وجود ندارد و شرایط و تشریفات خاص اعطای درجات امیری نیز تأثیری در این موضوع ندارد و چنان چه نظامیان دارای درجات امیری نیز به محرومیت از ترفیع محکوم شده باشند، این موضوع در پیشنهاد ترفیع در نظر قرار خواهد گرفت.

ج: تبدیل شلاق تعزیری

مطابق بند " ه " ماده (۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، مجازات شلاق تعزیری به یک میلیون (۱/۰۰۰/۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال جزای نقدی قابل تبدیل است. در این خصوص با توجه به این که در قانون مذکور، مجازات شلاق پیش‌بینی نشده است و با توجه به حکم مقرر در تبصره ماده (۲) همین قانون پیش‌بینی چگونگی تبدیل مجازات شلاق تعزیری در این قانون زائد است.

مبحث دوم: تبدیل سایر مجازات‌ها در سایر قوانین

در صورتی که دادگاه نظامی صلاحیت رسیدگی به جرایمی که در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح ذکر نشده را داشته باشد، مطابق تبصره ماده (۲) قانون مذکور، تعیین کیفر و تخفیف و تبدیل مجازات مطابق مقررات مربوط به آن جرم خواهد بود. در خصوص تخفیف مجازات در چنین مواردی در بخش اول مطالبی بیان کردیم که در مورد تبدیل مجازات از ذکر مجدد مطالب مذکور خودداری کرده و به ذکر چند نکته بسنده می‌کنیم:

۱- اداره حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه هایی از جمله نظریه شماره ۷/۵۳۶۱ مورخ ۷۳/۸/۱۹ و نظریه شماره ۷/۶۳۷۸ مورخ ۷۴/۱۱/۲۳ تخفیف انفصال دائم به انفصال موقت را مجاز دانسته؛ اما تبدیل آن به جزای نقدی یا حبس و امثال آنها را مخالف روح قانون و مقصود مقنن دانسته است.^(۳) به نظر ما با توجه به اطلاق و عموم ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی و تصریح بند الف ماده (۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح تبدیل انفصال دائم و موقت به سایر مجازات‌ها علی‌الاصول مجاز است.

۲- هر چند رویه قضایی علی‌الاصول مجازات حبس را شدیدتر از شلاق و مجازات شلاق را شدیدتر از جزای نقدی می‌داند؛ اما تشخیص اخف و اشد بودن مجازات‌ها با توجه به نوع و میزان مجازات و ویژگی های متهم به عهده دادگاه است. در پایان این بخش اشاره می‌شود که ماده (۸) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، تخفیف مجدد را مطابق ماده مذکور ممنوع اعلام کرده است:

«در مواردی که تخفیف‌های مقرر در مواد (۳)، (۴) و (۵) این قانون در خصوص مجازات حبس اعمال می‌شود، دادگاه نمی‌تواند آن را به استناد ماده (۷) این قانون مجدداً تخفیف دهد».

قاعده مذکور در تبصره "۳" ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی نیز به نوعی پیش‌بینی شده است. مطابق تبصره مذکور، چنان چه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد.

بنابراین در صورتی که قبلاً و متهم مرتکب جرمی شده باشد که حداکثر مجازات آن پنج سال حبس است و دادگاه مجازات حبس وی را به استناد ماده (۴) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به تنزیل یک درجه تبدیل کند، نمی‌تواند مجدداً به استناد ماده (۷) قانون مذکور مجازات تنزیل درجه را به محرومیت از ترفیع تبدیل نماید.

یکی از حقوق دانان در خصوص ماده (۸) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح چنین اعلام نظر کرده است:

«اگر تخفیف‌های مقرر در مواد (۳) و (۴) و (۵) این قانون در خصوص مجازات‌های غیر از حبس اعمال شود مثلاً در خصوص مجازات‌های جزای نقدی یا تنزیل رتبه و درجه و... ظاهراً استناد دادگاه به ماده (۷) برای تخفیف مجدد، منع قانونی نداشته باشد، لیکن باید توجه داشت که مواد (۳) و (۴) و (۵) این قانون فقط تخفیف مجازات حبس را پیش‌بینی کرده‌اند، نه مجازات‌های دیگر، پس برای تخفیف مجازات‌های دیگر غیر از حبس نمی‌توان به مواد اشاره شده استناد نمود.^(۱۶)

به نظر ما صدر و ذیل عبارت مذکور با یکدیگر در تعارض است، زیرا مواد (۳) و (۴) و (۵) قانون مذکور اختصاص به تخفیف و تبدیل مجازات حبس دارد و سایر مجازات‌ها موضوعاً از قلمرو مواد مذکور خارج است و با توجه به این که تخفیف و تبدیل سایر مجازات‌ها صرفاً به استناد ماده (۷) انجام می‌شود، بحث تخفیف و تبدیل مجدد مجازات موضوعاً منتفی موضوع است.

بخش سوم: تخفیف و تبدیل مجازات پس از صدور حکم

مطالبی که تاکنون بیان شد، مربوط به تخفیف و تبدیل مجازات در مرحله صدور حکم است؛ اما در برخی موارد ممکن است پس از صدور حکم نیز موجبات قانونی تخفیف یا تبدیل مجازات فراهم شود که این موارد را در سه گفتار تحت عنوان تبدیل حبس به حبس با خدمت و تخفیف مجازات به دلیل تسلیم به حکم و تخفیف مجازات به دلیل گذشت شاکی خصوصی پس از قطعیت حکم مورد بررسی قرار می‌دهیم.

گفتار اول: تبدیل حبس به حبس با خدمت

در قوانین استخدامی نیروهای مسلح و ماده (۳) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱ به حبس با خدمت اشاره شده است. قانون گذار در قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲، مقررات جدیدی در مورد حبس با خدمت وضع کرده است. مطابق ماده (۱۱) قانون مذکور:

«دادگاه‌های نظامی می‌توانند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان و رعایت مقررات مربوط به زندان باز و نیمه باز، مدت حبس وی را که بیش از یک سال نباشد، به حبس با خدمت تبدیل نمایند. در این صورت محکومان مذکور به یگان مربوط یا مراکزی که نیروهای مسلح برای خدمت تعیین می‌کنند، معرفی شده و پس از پایان خدمت روزانه در بازداشتگاه یگان یا مرکزی که تعیین شده، نگهداری می‌شوند.»

تبصره ماده مذکور نیز مقرر می‌دارد:

«مقررات اجرایی حبس با خدمت، نحوه هماهنگی با فرمانده مربوط و وضعیت خدمتی این گونه افراد به موجب دستورالعملی خواهد بود که ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان قضایی نیروهای مسلح با همکاری ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.»^(۵)

درخصوص ماده مذکور توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- برای تبدیل حبس به حبس با خدمت درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان ضروری است.

تبدیل حبس به حبس با خدمت در صورتی ممکن است که میزان حبس غیر تعلیقی محکوم علیه بیشتر از یک سال نباشد و ملاک احتساب، مدت حبس مقرر در دادنامه (یا دادنامه‌های متعدد) است، بنابراین اگر محکومیت محکوم علیه ۱۸ ماه حبس باشد، پس از تحمل شش ماه حبس نمی‌تواند درخواست تبدیل حبس به حبس با خدمت کند.

۳- ماده (۱۱) اختصاص به دادگاه‌های نظامی دارد و دادگاه‌های عمومی و انقلاب نمی‌توانند در مورد محکومین نظامی به ماده مذکور استناد کنند.

۴- تبدیل حبس به حبس با خدمت از اختیارات دادگاه است. بنابراین با وجود درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان دادگاه می‌تواند درخواست مذکور را نپذیرفته و حکم به رد آن صادر کند و رأی دادگاه نیز قطعی است.

۵- در صورتی که رأی قطعی از طرف دادگاه تجدیدنظر صادر شده باشد، با توجه به ماده (۱۱) دستورالعمل و وحدت ملاک رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳ مورخ ۱۳۷۲/۷/۶ هیئت عمومی دیوان عالی کشور، رسیدگی به موضوع در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر است.

قانون استخدام نیروهای انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۰ که بعد از قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به تصویب رسیده است نیز مقرراتی در مورد حبس با خدمت پیش‌بینی کرده است. تبصره "۴" ماده (۱۱۵) قانون مذکور در این خصوص مقرر می‌دارد:

«فرمانده نیروی انتظامی می‌تواند حسب ضرورت و مصالح سازمان برای کارکنانی که حداکثر تا دو سال زندان محکوم می‌شوند، پیشنهاد حبس با خدمت به مرجع قضایی نماید. در این صورت کارکنان مزبور بابت ایام خدمت از حقوق و مزایای مربوط برخوردار خواهند شد.»

درخصوص مقایسه تبصره "۴" ماده (۱۱۵) قانون فوق و ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- هر چند در تبصره "۴" ماده (۱۱۵) به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان اشاره نشده است؛ اما با توجه به این که انجام خدمت بدون رضایت محکوم علیه ممکن نیست و اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و از طرفی ظاهراً قانون

گذار در زمان تصویب تبصره "۴" ماده (۱۱۵) قانون استخدام ناجا به مقررات سابق توجه داشته، به نظر می‌رسد که در این خصوص نیز درخواست محکوم علیه و پیشنهاد دادستان ضروری باشد.

۲- تبصره "۴" ماده (۱۱۵) اختصاص به کارکنان ناجا دارد و قابل تسری به کارکنان سایر نیروهای مسلح نخواهد بود.

۳- صدور حکم به استناد تبصره "۴" ماده (۱۱۵) موکول به پیشنهاد فرمانده نیروی انتظامی است.

۴- برخلاف ماده (۱۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که در مورد حبس‌های بیشتر از یک سال قابل اعمال نیست، تبصره "۴" ماده (۱۱۵) در مورد محکومیت به حبس تا دو سال قابل اعمال است.

۵- با توجه به اطلاق عبارت «مرجع قضایی» در تبصره "۴" ماده (۱۱۵) مقررات مذکور اختصاص به احکام صادره از دادگاه‌های نظامی ندارد و سایر مراجع قضایی نیز می‌توانند محکومیت به حبس کارکنان ناجا را با شرایط مقرر در تبصره مذکور به حبس با خدمت تبدیل کنند.

گفتار دوم: تخفیف مجازات به دلیل تسلیم به حکم

یکی از موارد تخفیف مجازات پس از صدور حکم مربوط به تسلیم محکوم علیه به حکم محکومیت است. علت وضع این حکم جلوگیری از تجدیدنظر خواهی‌های بی‌مورد است. ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ در این خصوص مقرر می‌دارد:

«در کلیه محکومیت‌های جنحه‌ای در صورتی که دادستان از حکم صادر شده، پژوهش یا فرجام نخواستہ باشد، محکوم علیه می‌تواند با رجوع به دادگاه صادرکننده حکم ضمن اسقاط حق و انصراف از شکایت پژوهشی یا فرجامی یا استرداد آن تخفیف در مجازات خود را تقاضا کند. در این صورت دادگاه در وقت فوق‌العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی می‌کند تا یک ربع از مجازات مندرج در حکم را اعم از حبس یا جزای نقدی تخفیف می‌دهد و این رأی قطعی است ولی در هر حال هیچ مجازات حبسی را با رعایت تخفیف مندرج در این ماده نمی‌توان به جزای نقدی تبدیل نمود.»

هیأت عمومی دیوان عالی کشور پس از صدور آرای متعارض راجع به نسخ یا عدم نسخ ماده (۶) قانون فوق‌الذکر به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۶۱ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۲ ماده مذکور را منسوخ ندانسته است. مطابق رأی مذکور: «هر چند عناوین جنحه و جنایت در قوانین جزایی فعلی به کار نرفته ولی ماده (۲۷۷) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری هم به طور صریح یا ضمنی مقررات ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری را فسخ نکرده و به اعتبار خود باقی است و مغایرتی بین این دو ماده وجود ندارد. بنابراین رأی شعبه ۱۰ دادگاه نظامی یک تهران به شماره ۱۶۰۶ مورخ ۱۳۸۰/۸/۱۵ که بر این اساس صادر گردیده، به اکثریت آرای اعضای هیئت عمومی در دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با قانون تشخیص می‌شود...»^(۶)

در خصوص این موضوع ذکر چند نکته ضروری است:

۱- اعمال ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری صرفاً در مورد آرای ممکن است که قابل تجدیدنظر باشند و آراء قطعی چون محکوم علیه حق تجدیدنظر خواهی ندارد تا بتواند آن را اسقاط کند، از شمول ماده مذکور خارج است.

۲- در مورد این که در وضعیت فعلی، ماده (۶) قانون فوق در خصوص چه نوع جرایم و محکومیت‌هایی قابل اعمال است، بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد. نظر اول این است که چون در حال حاضر عناوین جنحه و جنایت از بین رفته، لذا ماده (۶) در خصوص کلیه جرایم تعزیری و بازدارنده قابل اعمال است.^(۷) نظر دوم این است که عناوین جنحه و جنایت از بین رفته، اما چون جرایم جنایی از شمول ماده (۶) خارج بوده است، در وضعیت فعلی نیز باید جرایم مهم که قابل مقایسه با عنوان جنایت است را از شمول ماده (۶) خارج دانست و پیشنهاد شده که جرایم مهم را جرایمی بدانیم که رسیدگی به آن در

صلاحیت دادگاه نظامی یک است و در نتیجه جرایمی که رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه نظامی دو^(۸) می‌باشد را مشمول حکم ماده (۶) می‌دانند.^(۹)

به نظر ما هیچ یک از این دو نظر را نمی‌توان پذیرفت، زیرا اولاً هر چند عناوین جنحه و جنایت در قوانین فعلی وجود ندارد؛ اما برای تشخیص جرایمی که مشمول ماده (۶) می‌باشد، باید به ملاک و معیار جنحه و جنایت در زمان وضع ماده (۶) توجه کنیم و چون مطابق ماده (۹) قانون مجازات عمومی جرایم جنحه ای به جرایمی اطلاق می‌شد که مجازات آن جزای نقدی و یا حبس حداکثر تا سه سال بود، در نتیجه جرایمی که مجازات آن بیش از سه سال حبس باشد را باید از شمول ماده (۶) خارج بدانیم. ثانیاً مطابق نظریه دوم، جرایمی که مجازات آن کمتر از ده سال حبس باشد را می‌توان مشمول ماده (۶) دانست، در حالی که به لحاظ اهمیت جرایم جنایی، قانون گذار آن را از شمول ماده (۶) خارج کرده است و قیاس موارد صلاحیت دادگاه‌های جنایی و جنحه سابق با دادگاه‌های نظامی یک و دو نیز صحیح به نظر نمی‌رسد.

اداره حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه شماره ۷/۷۱۴۹ مورخ ۷۸/۱۱/۱۷ این نظریه را پذیرفته است. مطابق نظریه مذکور: «منظور از جرایم جنحه، جرایمی است که مجازات آنها تا سه سال حبس باشد، بنابراین مقررات اعمال تخفیف موضوع ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶، قتل شامل آن دسته از جرایم قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸) می‌شود که میزان مجازات آن بیش از سه سال حبس نباشد...»^(۱۰)

شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور نیز به موجب رأی شماره ۱۱۰۷ مورخ ۱۳۷۹/۱۰/۱۰ نیز این نظر را تأیید کرده است. مطابق رأی مذکور: «با توجه به این که مجازات قانون عمل حداکثر ۱۵ سال حبس است و به هر صورت در قالب مجازات جنحه ای نمی‌گنجد و صالح بدون دادگاه نظامی یک نیز مؤید شدت مجازات می‌باشد و از طرفی در صورت اقتضا دادگاه تا یک چهارم مجازات تعیین شده را می‌تواند تقلیل دهد، در حالی که به یک چهارم تقلیل دارد، اعتراض دادستان نظامی را وارد دانسته، دادنامه تجدیدنظر خواسته را نقض بلا ارجاع می‌نماید.»^(۱۱)

شعبه هفتم دادگاه نظامی یک تهران به موجب رأی شماره ۱۲۸ مورخ ۸۳/۴/۱۷ از این نظریه تبعیت کرده و چنین رأی داده است: «نظر به این که اتهام‌های هر چهار نفر برابر ماده (۸) قانون مجازات عمومی از نوع جنایت است، در حالی که اعمال تخفیف موضوع ماده (۶) قانون اصلاح موادی از قوانین دادگستری مربوط به جرایم از نوع جنحه است، بنابراین اعمال تخفیف در خصوص هیچ کدام از متهمان فوق الذکر مجوز قانونی ندارد و محکومیت‌های دادنامه سابق الصدور به قوت خود باقی است.» و بالاخره این که شعبه پنجم دادگاه نظامی یک تهران نیز به موجب رأی شماره ۳۰ مورخ ۱۳۸۵/۱/۳۰ از این نظریه تبعیت کرده است. مطابق رأی مذکور:

«در خصوص تقاضای محکوم علیه... با وکالت آقای... مبنی بر تخفیف مجازات، به این توضیح که نامبرده به موجب رأی شماره ۵۱۶ مورخ ۱۳۸۴/۱۱/۱۶ این مرجع به اتهام فروش اموال دولتی موضوع ماده (۸۱) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به تحمل پنج ماه حبس تعزیری و به اتهام جهل موضوع ماده (۱۰۳) قانون مذکور به تحمل هشت ماه حبس محکوم شده و با اسقاط حق تجدیدنظر خواهی به استناد ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ تقاضای تخفیف مجازات کرده است، علی‌هذا اولاً در خصوص اتهام فروش اموال دولتی با عنایت به این که مجازات قانونی بزه موضوع ماده (۸۱) قانون فوق، حداکثر دو سال حبس است و محکومیت به این اتهام با توجه به مقررات قانون مجازات عمومی سابق از نوع محکومیت جنحه‌ای است و با توجه به این که دادستان نسبت به رأی صادره اعتراض نکرده است، لذا درخواست محکوم علیه را وارد دانسته و مستنداً به ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶ محکومیت حبس نامبرده از پنج ماه به سه ماه و بیست و پنج روز (۱۱۵ روز) تخفیف داده می‌شود و ثانیاً در خصوص اتهام جعل با توجه به این که حداکثر مجازات مقرر در ماده (۱۰۳) قانون صدر الاشعار پنج سال است و با توجه به این که مطابق مقررات قانون مجازات عمومی

سابق جرایم جنحه ای به جرایمی اطلاق می‌شد که مجازات قانونی آن یا جزای نقدی و یا حبس حداکثر تا سه سال است و جرایمی که مجازات قانونی آن بیش از سه سال حبس بود، از مصادیق جرایم جنایی و محکومیت به جرایم مذکور نیز از مصادیق محکومیت جنایی تلقی می‌شد و فسخ قانون مجازات عمومی و عناوین جنحه و جنایت نیز به این معنا نیست که بتوان ماده (۶) قانون مذکور را در کلیه جرایم و محکومیت‌ها اعمال کرد، زیرا هر چند عناوین جنحه و جنایت نسخ شده است؛ اما ملاک و معیار تشخیص جنحه و جنایت از بین نرفته و ماده (۶) نیز اختصاص به محکومیت‌هایی داشته که در آن زمان محکومیت جنحه ای تلقی می‌شده و بزه موضوع ماده (۱۰۳) قانون و صدراالشعار از شمول ماده (۶) خروج موضوعی دارد، لذا با توجه به مراتب فوق، حکم به رد درخواست محکوم علیه صادر و اعلام می‌گردد رأی صادره قطعی است.»

۳- در صورت تحقق شرایط مقرر در ماده (۶)، دادگاه مکلف است که مجازات محکوم علیه را تخفیف دهد؛ اما میزان تخفیف در اختیار دادگاه است که حداکثر می‌تواند یک چهارم از میزان محکومیت را تخفیف دهد.

۴- چون مقررات موضوع مواد (۳) و (۴) و (۵) و (۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مربوط به زمان صدور رأی و مقررات ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مربوط به بعد از صدور رأی است، اعمال حداکثر تخفیف در زمان صدور رأی مانع تخفیف مجازات به استناد ماده (۶) نیست. مثلاً چنان چه محکوم علیه به اتهام اخاذی موضوع ماده (۱۲۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح که مجازات قانونی آن حبس از یک تا پنج سال است، با اعمال ماده (۴) قانون مذکور به تحمل چهار ماه حبس محکوم شده باشد، تخفیف مجازات وی به استناد ماده (۶) بلامانع است.

۵- در موارد مشمول بند ۲ ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین که دادگاه می‌تواند حکم به حبس از ۹۱ روز به بالا یا جزای نقدی از ۷۰ هزار و یک ریال تا سه میلیون ریال صادر کند، چنان چه دادگاه در زمان صدور رأی حکم به ۹۱ روز حبس داده باشد، با توجه به این که در این موارد دادگاه نمی‌تواند حکم به کمتر از ۹۱ روز صادر کند و از طرفی مطابق ماده (۶)، دادگاه مکلف به تخفیف مجازات است، در خصوص چگونگی اعمال ماده (۶) اختلاف نظر وجود دارد. ممکن است گفته شود چون قانون وصول...مصوب ۱۳۷۳ مؤخ التصویب است و از طرفی دادگاه مکلف به تخفیف است، بنابراین دادگاه در مقام اعمال ماده (۶) مکلف است حبس را به جزای نقدی تبدیل کند. به نظر ما این نظریه را نمی‌توان پذیرفت، زیرا اولاً در ماده (۶) تصریح شده است که «در هر حال هیچ مجازات حبس را با رعایت تخفیف مندرج در این ماده نمی‌توان به جزای نقدی تبدیل نمود» و عموم و اطلاق این عبارت ناظر بر بند ۲ ماده (۳) قانون وصول... نیز می‌باشد و ثانیاً در زمان تصویب ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، ماده (۱۱) قانون مجازات عمومی^(۱۲) حکمی نظیر حکم مقرر در بند ۲ ماده (۳) قانون وصول... پیش‌بینی کرده است، بنابراین تاریخ تصویب قانون وصول... تأثیری در این موضوع ندارد و ثالثاً همان طور که در خصوص مواد (۳) و (۴) و (۵) و (۷) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح گفتیم، مقررات بند ۲ ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مربوط به زمان صدور حکم است و هیچ منافاتی با اعمال ماده (۶) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری که مربوط به بعد از صدور حکم است، ندارد و نتیجه این که در این موارد می‌توان مجازات حبس را از ۹۱ روز به کمتر از آن تخفیف داد و تبدیل حبس به جزای نقدی صحیح نیست.

گفتار سوم: تخفیف مجازات به دلیل گذشت شاکی

گذشت شاکی خصوصی همواره به عنوان مهم‌ترین جهت از جهات تخفیف مجازات مورد نظر قانون گذار بوده است. در صورتی که شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت، قبل از صدور حکم گذشت کند، دادگاه می‌تواند به استناد بند ۱ ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، مجازات متهم را تخفیف دهد؛ اما در برخی موارد، شاکی پس از قطعیت حکم، اعلام گذشت می‌کند و قانون گذار در این موارد نیز گذشت شاکی را مؤثر دانسته است. ماده (۲۵) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری در این خصوص مقرر می‌دارد:^(۱۳)

«هر گاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعیت حکم از شکایت خود صرف نظر نماید، محکوم علیه می‌تواند با استناد به استرداد شکایت، از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات او تجدیدنظر نماید. در این موارد دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده با حضور دادستان تشکیل می‌شود و مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف خواهد داد. این رأی دادگاه قطعی است» در خصوص ماده مذکور توجه به نکات زیر ضروری است:

۱- در خصوص تشخیص حکم قطعی رأی وحدت رویه شماره ۵۸۳ مورخ ۷۲/۷/۶ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مقرر می‌دارد: «حکم قطعی مذکور در ماده (۲۵) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۶ که در جرایم تعزیری غیر قابل گذشت صادر می‌شود، اعم از حکمی است که دادگاه نخستین به صورت غیر قابل تجدیدنظر صادر کند و یا قابل تجدیدنظر بوده و پس از رسیدگی در مرحله تجدیدنظر، اعتبار قطعیت پیدا نماید. بنابراین رأی شعبه چهارم دیوان عالی کشور که دادگاه تجدیدنظر را مرجع صدور حکم قطعی و واجد صلاحیت برای رسیدگی به درخواست تخفیف مجازات مرتکب شناخته، صحیح و با موازین قانونی مطابقت دارد...»^(۱۴)

البته باید توجه داشت در صورتی که رأی دادگاه بدوی در دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گیرد، چون دیوان عالی کشور، دادگاه محسوب نمی‌شود، رسیدگی به درخواست تخفیف مجازات در صلاحیت دادگاه بدوی صادرکننده حکم است. اداره حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه های شماره ۷/۴۱۳۹ مورخ ۸۰/۹/۲۲ و شماره ۷/۳۴۲۹ مورخ ۸۳/۵/۱۰ این نظر را تأیید کرده است^(۱۵)

۲- در صورتی که پس از صدور حکم بدوی و قبل از قطعیت آن شاکی گذشت کند و پرونده در دادگاه تجدیدنظر مطرح باشد، دادگاه تجدیدنظر می‌تواند به استناد ماده (۳۴۷) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۲۹۰ و تبصره "۲" ماده (۲۲) قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب اسلامی ۱۳۸۱ مجازات محکوم علیه را تخفیف دهد و مورد از شمول ماده (۲۵) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری خارج است.

۳- در صورتی که پس از صدور حکم بدوی و قبل از قطعیت آن، شاکی گذشت کند و مرجع تجدیدنظر دیوان عالی کشور باشد (مانند احکام دادگاه نظامی یک) در مورد امکان یا عدم امکان تخفیف اختلاف نظر وجود دارد. ممکن است گفته شود چون گذشت پس از قطعیت حکم نبوده، مشمول ماده (۲۵) نیست؛ اما به اعتقاد ما هدف قانون گذار این بوده که گذشت شاکی خصوصی در همه موارد تأثیر داشته باشد و در این موارد نیز در صورت تأیید رأی از طرف دیوان عالی کشور، دادگاه بدوی صادر کننده حکم می‌تواند مجازات محکوم علیه را تخفیف دهد. همچنین است در صورتی که تاریخ گذشت قبل از قطعیت حکم باشد؛ اما مراتب بعد از قطعیت حکم به دادگاه اعلام شود. اداره حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه شماره ۷/۹۹۳۰ مورخ ۸۰/۱۰/۲۹ این نظر را تأیید کرده است. مطابق نظریه مذکور: «هر چند شرط اجرای ماده (۲۷۷) قانون آ.د.ک ۱۳۷۸ گذشت شاکی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت بعد از قطعیت حکم بیان شده است، لکن چنان چه گذشت شاکی خصوصی در این گونه جرایم قبل از قطعیت حکم باشد و به دادگاه داده نشده باشد و در نتیجه مورد توجه دادگاه بدوی و تجدیدنظر واقع نشده باشد نیز موضوع مشمول ماده فوق خواهد بود...»^(۱۶)

۴- با توجه به عبارت «... مجازات را در صورت اقتضا... تخفیف خواهد داد...» مذکور در ماده (۲۵) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری، اعمال تخفیف موضوع این ماده اجباری نیست و به تشخیص دادگاه است. علت این امر، این است که مطابق ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، اعمال تخفیف ولو با وجود جهات مخففه و از جمله گذشت شاکی خصوصی، از اختیارات دادگاه است.

۵- در صورتی که دادگاه تخفیف مجازات محکوم علیه را ضروری بداند، علی الاصول می‌تواند مجازات را به هر میزان که لازم بداند تخفیف دهد یا آن را به مجازات دیگری تبدیل کند.

۶- در صورتی که در برخی موارد نظیر تبصره "۱" ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین، ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری یا مواد (۳) و (۴) و (۵) قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، محدودیت یا ممنوعیتی برای تخفیف مجازات پیش‌بینی شده باشد، در خصوص امکان اعمال ماده (۲۵) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری بین حقوق دانان اختلاف نظر وجود دارد.

یکی از حقوق دانان در خصوص موضوع کلاهبرداری معتقد است که ممنوعیت دادگاه از تعیین حبس کمتر از حداقل مقرر در ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری صرفاً ناظر بر مرحله ی صدور حکم است و با اعمال ماده (۲۵) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری یا ماده (۲۷۷) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری می‌توان میزان حبس را به کمتر از حداقل مقرر تخفیف داد و همچنین تبدیل حبس نیز امکان‌پذیر است. دلایلی برای این نظریه ذکر شده از جمله استناد به رأی وحدت رویه شماره ۵۴ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور که به موجب آن محکومان جرم کلاهبرداری می‌توانند به استناد ماده (۲۵) قانون فوق‌الذکر تقاضای تخفیف مجازات کنند و دلیلی بر نقض رأی مذکور وجود ندارد و استناد به صریح ماده (۲۵) و اطلاق ماده (۲۷۷) و رعایت انصاف و عدالت و اینکه برداشت دیگر به ضرر محکوم علیه و مستلزم عدم عنایت به نظر مقنن در تفکیک مراحل دادرسی کیفری و اقتضائات مترتبه بر آنهاست،^(۱۷) به نظر ما این نظریه را نمی‌توان پذیرفت، زیرا اولاً رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۱۳۶۳/۱۱/۱ هیچ دلالتی بر این موضوع ندارد و صرفاً پس از تأیید غیر قابل گذشت بدون جرم کلاهبرداری به امکان اعمال ماده (۲۵) قانون اصلاح پاره‌ای از قوانین دادگستری در جرم مذکور اشاره کرده است و در رأی مذکور نیز همانند مواد (۲۵) و (۲۷۷) به تخفیف مجازات «در حدود قانون» اشاره شده است و حدود تخفیف مجازات هر جرم را قانون تعیین می‌کند، اگر اعتقاد داشته باشیم که دادگاه در تخفیف و تبدیل مجازات اختیار مطلق دارد، در این صورت عبارت «در حدود قانون» مذکور در مواد (۲۵) و (۲۷۷) زائد خواهد بود که بطلان چنین نظری به این آشکاری است و ثانیاً رأی وحدت رویه شماره ۵۲ مورخ ۶۳/۱۱/۱ نسخ نشده است؛ اما با توجه به این که ممنوعیت تخفیف مجازات در جرم کلاهبرداری به موجب قانون مؤخر التصویب در سال ۱۳۶۷ مقرر شده است و با توجه به عبارت «در حدود قانون» مقرر در مواد مذکور تخفیف مجازات صرفاً تا حداقل مقرر در قانون ممکن است، بنابراین اگر شخصی به اتهام کلاهبرداری به تحمل چهار سال حبس محکوم شده باشد و شاکی پس از قطعیت حکم، گذشت کند، دادگاه می‌تواند مجازات حبس را به یک سال تخفیف دهد، ثالثاً هدف قانون گذار از تصویب مواد (۲۵) و (۲۷۷) این است که چون گذشت شاکی مهم‌ترین جهت تخفیف مجازات است، در تمام مراحل تأثیر داشته باشد؛ اما تأثیر گذشت در مراحل مختلف رسیدگی به هیچ وجه نباید متفاوت باشد. چنین انتخابی بر تفکیک مراحل دادرسی کیفری مترتب نیست، زیرا ممنوعیت یا محدودیت تخفیف مجازات تابع فلسفه دیگری است و اگر اعتقاد داشته باشیم که قانون گذار در مرحله صدور حکم، تخفیف را ممنوع یا محدود کرده؛ اما پس از قطعیت حکم این ممنوعیت و محدودیت از بین می‌رود، این امر مستلزم نقض غرض و انتساب فعل عبث به قانون گذار خواهد بود، چرا که در این صورت افراد می‌توانند به جای تحصیل گذشت شاکی در مرحله رسیدگی، پس از قطعیت حکم گذشت شاکی را تحصیل کرده و زمینه عدم اجرای قانون را فراهم کنند. بدیهی است که این امر چیزی جز تقلب نسبت به قانون نیست.

اداره حقوقی قوه قضائیه به موجب نظریه های متعدد، این نظر را تأیید کرده است که صرفاً به ذکر نظریه شماره ۸۵۶۰/ ۷/ مورخ ۸۱/۱۰/۱ بسنده می‌کنیم، مطابق نظریه مذکور:

«طبق ماده (۲۷۷) ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ چنان چه دادگاه وفق ماده (۱) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، متهم را به تحمل یک سال حبس محکوم نماید و محکوم علیه پس از قطعیت حکم، اقدام به جلب رضایت شاکی

و درخواست تخفیف نماید، دادگاه وفق تبصره "۱" ماده (۱) قانون فوق الذکر نمی‌تواند مجازات تعیین شده یک سال را تخفیف داده یا تبدیل به جزای نقدی به عنوان تخفیف تعیین نماید، زیرا در آن ماده قید شده است که در حدود قانون تخفیف دهد و قانون تشدید مجازات... تخفیف به میزان کمتر از یک سال را منع کرده است. رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۷۷/۶/۳۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور مفاداً مؤید این نظر است...»^(۱۸)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- جهت اطلاع بیشتر ر.ک به مواد (۱۹) و (۲۰) قانون مجازات اسلامی.
- ۲- مال میر، دکتر محمود، شرح قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۸۳، نشر دادگستر، ص ۳۰.
- ۳- مجموعه قانون مجازات اسلامی، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ پنجم ۱۳۸۳، صص ۱۲۹ و ۱۳۰، همچنین جهت اطلاع بیشتر در خصوص نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه و آرای وحدت رویه دیوان عالی کشور در مورد تخفیف و تبدیل مجازات ر.ک به مجموعه مذکور ذیل ماده (۲۲) قانون مجازات اسلامی، صص ۱۲۱ تا ۱۳۳.
- ۴- مال میر، دکتر محمود، همان مرجع، ص ۳۲.
- ۵- دستورالعمل حبس با خدمت مشتمل بر ۳۴ ماده و ۷ تبصره تهیه و در تاریخ ۸۳/۱۰/۵ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است. جهت اطلاع بیشتر ر.ک به مجموعه جرایم نیروهای مسلح، معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری، چاپ دوم، ۱۳۸۳، صص ۲۲۰ تا ۲۲۶.
- ۶- مجموعه جرایم نیروهای مسلح، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.
- ۷- یکی از نظریه‌های ارائه شده در نشست قضایی مورخ ۸۴/۵/۲۲ قضات دادگاه‌های نظامی تهران. گفتنی است در پیش نویس لایحه قانون آیین دادرسی کیفری نیز تخفیف مجازات، به دلیل اسقاط حق تجدیدنظر خواهی در کلیه جرایم تعزیری و بازدارنده پیش‌بینی شده است.
- ۸- موارد صلاحیت دادگاه‌های نظامی ۱ و ۲ که همانند دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ هستند، در مواد (۷) و (۸) قانون تشکیل دادگاه‌های کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۱۳۶۸ ذکر شده است.
- ۹- یکی از نظریه‌های ارائه شده در نشست قضایی مورخ ۸۴/۵/۲۲ قضات دادگاه‌های نظامی تهران.
- ۱۰- مجموعه جرایم نیروهای مسلح، ص ۱۰۳.
- ۱۱- منتخب آرای دیوان عالی کشور در مورد احکام دادگاه‌های نظامی، به کوشش معاونت قضایی و حقوقی سازمان قضایی نیروهای مسلح، چاپخانه سپاه، چاپ اول، ۱۳۸۲، ص ۲۱۳.
- ۱۲- ماده (۱۱) قانون مجازات عمومی مقرر می‌دارد:
«در هر مورد که در قوانین حداکثر مجازات کمتر از ۶۱ روز حبس باشد، از این پس به جای حبس، حکم به جزای نقدی از پنج هزار و یک تا ۳۰ هزار ریال داده خواهد شد و هر گاه حداکثر مجازات بیش از ۶۱ روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از دو ماه حبس یا جزای نقدی از پنج هزار و یک تا ۳۰ هزار ریال بدهد. در صورتی که در موارد فوق حبس توأم با جزای نقدی باشد و به جای حبس، جزای نقدی مورد حکم قرار گیرد، هر دو جزای نقدی با هم جمع خواهد شد.»
- ۱۳- ماده (۲۷۷) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۱۳۷۸ با اندکی تغییر همین حکم را مقرر داشته است.
- ۱۴- فقیه نصیری، فیروز، همان مرجع، ص ۱۳۸.
- ۱۵- مجموعه جرایم نیروهای مسلح، صص ۲۰۲ و ۲۰۳.

۱۶- مجموعه جرایم نیروهای مسلح، ص ۲۰۰.

۱۷- محمدی، حمید، آیا مجازات حبس کلاهبرداری قابل تخفیف است؟، نشریه پیام آموزش، معاونت آموزش قوه قضائیه، شماره ۱۲، سال دوم، بهمن و اسفند ۱۳۸۳، صص ۹۴ تا ۹۶.

۱۸- برای ملاحظه سایر نظریه های اداره حقوقی قوه قضائیه در مورد ماده (۲۷۷) ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ و رأی وحدت رویه شماره ۶۲۸ مورخ ۷۷/۶/۳۱ همان مرجع، صص ۹۸ تا ۱۰۰ و مجموعه جرایم نیروهای مسلح، صص ۱۹۸ تا ۲۰۶.